

و سن اول که بر سن که سو مرتکب ز با هر که می نمک است از کار دیگر که با این  
سن اول که بر سن که سو مرتکب ز با هر که می نمک است از کار دیگر که با این  
نوعی سازد و خوش اولی ایدر و سن اول معنون سن که در این سن اول  
کلیه بر ستانده و شکست بر تنگ کوی و دست سراج ایدر سن  
اول علی بن که آینه معرفت که سر اسرار خانی و میناست و در حجاب  
روز روشن که بی لایح در و سن اول که بر سن که سو مرتکب ز با هر که  
چنانکه بر ستانده و شکست بر تنگ کوی و دست سراج ایدر سن  
اول جواس که سوال سالها آسمان و زمین و فاضله می آید و وجود  
عالمین بجز این نام و عقاب تصور و افوا می نمک است از کار دیگر که با این  
قدر که سن و سن اول غفور سن که غفور جمع جرم بندگی و محبت  
تقصیرات که حکما ران هر نه قدر که بی عدلی است و هر نه مقدار که آید  
و در این یعنی اول از مغز تک می بچند و بر قطره به نقصان کور زوالی سن  
اول تا در قدیم و صانع حکیم سن که از اول زاده جلا می ستانده و صفات  
و محبت صیبت ذاتی مستور است بر کس نه یعنی این دل که که جزئی است  
و بخا جلور است بر ایجاد و در حمت مجرب جرم خیر لم برل مسترق  
از بدن طالع و فیض از ابر قدیم غرضه ایدر و لایح است و لایح مع ذل  
در یک سرای و وجود و شمشیر عکس است از قاتل بر طبع در بای وجود  
عدم اقیق که اجنده برسط و لایح و بودن بر این است که بوزند علی  
و واضح اول یعنی دل که در جهان می شکست است هر چه می نامی و محلی و کمال

یا

بی نیابتک شاهدی بودن و آشکاره او المعنون حکما بر صورت تولیده  
برفت بر عجبیم و کارگاه ایجاد کننده بر غریب طبع ایدر سن  
**که گفتند از آنجا که جهت آن افق گفتن طالع**  
**لوف** پس بر قدرت قاهر و مبین حکمت با هر که آرادت قلمن اولی  
ایده و خشت از خرا عده جمع کلمات سابقه و لاحق نیک و خیر و محبت  
متعاقب و متلاحق است سواد عدم دن باقی وجود کلیم صورت  
خالق و کیفیت احوالی بر سلو بر تصویر و برین لایح بر این که گفت  
ایجاد و تکامل با ده و کن هر موجود اول وجود تقدیر مطابوع و در  
صورت اول نشاء موافق هر چیز ذی است صورتی عمل کرده کاین و هر نه  
نیک مثال اول لوصده کاسن بر اهر که زهره سی یون اندر بر حمت  
آرزو و کینست قدرتی یون که اندن بر نقطه کیده سن اول که در سن  
و قاضی لایح سن که قدم اقبند و هنوز بر مخلوق بیا و کون و نقصان  
حکیم سنده هنوز بر کون بود با و کون متواحد علی و بیانات حکیم کل  
اجرام بر سر ته علویه بر خاصه از اجرام سفلیه تزویج و تکلیف از کار گفته  
سجده و تدبیر رحمانی بسبب بیجا صورت شده و عالم سخا و تده اول آباء  
که است بر انصاف غلایه از دواج واسطه سید جرمی عادت حق و  
قانون نظام خلق لوز زنده بر در رحم عدده موالید کشته ظهور کل  
کم هر مولود کند و است عدوی است علیه تسبیح و تجیده و هر هر موجود  
ساز با نیاید تقدیس و توحید ده اول بر صورت سن که سو مرتکب ز با هر که

King Saud University

Copyright King Saud University